

# تحلیلی بر تأثیر هم‌گرایی ملی اقوام ایرانی بر امنیت عمومی جمهوری اسلامی ایران

امیرحسین یآوری بافقی<sup>1</sup>، حمید مستجابی سرهنگی<sup>2</sup>، احمدرضا اسماعیلی<sup>3</sup>

تاریخ دریافت: 91/12/14

از صفحه 135 تا 158

تاریخ پذیرش: 92/06/17

## چکیده

سکونت گروه‌های قومی کشورمان در مناطق مرزی و همجواری با قوم مشترک در آن سوی مرز، تحولات منطقه‌ای و تحرکات روزافزون دشمنان به منظور تفرقه‌افکنی در داخل کشور از عواملی هستند که بر اهمیت تلاش برای ایجاد انسجام ملی در بین اقلیت‌های قومی در ایران می‌افزاید. در این مطالعه سعی شده است، ضمن برشمردن عوامل مؤثر در کاهش انسجام ملی در بین اقلیت‌های قومی، مهم‌ترین عوامل تقویت‌کننده انسجام ملی در بین این اقوام با استناد به تحقیقات مختلف علمی، مورد شناسایی قرار می‌گیرند تا از این طریق بتوان عوامل مؤثر بر افزایش هم‌گرایی و کاهش واگرایی در بین قومیت‌های مختلف که از مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیت عمومی است، ارائه کرد. روش تحقیق حاضر، توصیفی-تحلیلی است که در آن با استفاده از تکنیک فراعلم، داده‌های لازم برای دستیابی به نتایج تحقیق جمع‌آوری شده‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که عواملی همچون موقعیت جغرافیایی اقوام ایران، تحولات منطقه‌ای، سیاسی کردن هرگونه مطالبات قومی، فقدان توازن توسعه ملی و شبکه‌های رادیکال قومی-مذهبی مهم‌ترین عوامل واگرایی در بین اقلیت‌های قومی ایران بوده و پایداری سرزمین، بنیادهای فرهنگی، احزاب سیاسی، مشارکت سیاسی و عامل تاریخی به صورت ترکیبی، مهم‌ترین عوامل هم‌گرایی و انسجام ملی اقلیت‌های قومی در برقراری امنیت عمومی هستند.

## کلید واژه‌ها

امنیت، اقلیت‌های قومی، انسجام ملی، امنیت عمومی، هم‌گرایی، واگرایی.

1 - استادیار مدیریت دولتی دانشگاه علوم انتظامی امین.

2 - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی.

3 - کارشناس ارشد مدیریت اجرایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین (نویسنده مسئول: esmaeliahmadreza@gmail.com).



تنوع قومی، واقعیتی نسبتاً فراگیر و جهانی است که در قرآن کریم نیز بر آن صحنه گذاشته شده است،<sup>1</sup> اقوام سهم به‌سزایی در پیشرفت و صلح یا منازعات داخلی و خارجی کشورها دارند (هارف،<sup>2</sup> 1998: 39) و این امر برقراری امنیت عمومی را در جوامع چند قومیتی با چالش و پیچیدگی‌های بسیاری مواجه کرده است. کشور ما یکی از کشورهای است که از اقوام بسیار زیادی تشکیل شده است، به طوری که نیمی از ترکیب قومی کشور را اقوام غیرفارس تشکیل می‌دهند که عمدتاً در نواحی مرزی و قلمروهای جغرافیایی منطبق با نام اقوام مربوطه در آن سوی مرزها، استقرار و آرایش یافته‌اند. گردها با حدود ده درصد جمعیت کشور در غرب، آذری‌ها با جمعیتی بالغ بر 27 درصد جمعیت کشور در شمال غربی و غرب، ترکمن‌ها با دو درصد جمعیت کل کشور در شمال شرقی، بلوچ‌ها با 2/2 درصد جمعیت کشور در جنوب شرقی، لرها با 6/7 جمعیت کل کشور در منطقه جنوب غربی و متمایل به مرکز، عرب‌ها در جنوب و تالشی‌ها در شمال غربی از نظر جغرافیای سیاسی و جمعیتی، معنا و تعریف خاصی را برای ملیت و کشور ایران پدید آورده‌اند.

حفظ و تقویت همبستگی ملی این قومیت‌ها از جمله دغدغه و پیچیدگی‌های سیاست‌ورزی نظام جمهوری اسلامی، در جهان معاصر است. البته همچنان که وحدت ملی کشور از زوایا و حوزه‌های مختلف در معرض تهدید و آسیب است، در این میان حکومت نیز از امکانات و توانمندی‌های فراوانی برای حفظ و تحکیم انسجام ملی برخوردار است.

ضعف یا ناکامی کشورها در یکپارچه‌سازی و نه یکسان‌سازی گروه‌های اجتماعی گوناگون و تبدیل آن‌ها به نیروی سیاسی - اجتماعی متحد، تهدیدهای جدید امنیتی را به همراه آورده و زیرساخت‌های کلان سیاسی را چندباره ساخته و به تضعیف توان سیاست‌سازی و قابلیت پاسخ‌گویی نظام سیاسی می‌انجامد. مسئله چند پارگی و تشتت بنیادهای اجتماعی و مشکلات موجود فراروی فرایند ملت‌سازی<sup>3</sup> در جهان سوم، متغیر یکپارچگی و تکوین جنبش‌های قومی را از اهمیت اساسی برخوردار کرده است.

1 - «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرکم عبدالله اتقیکم» (حجرات/13). ای مردم، همانا شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شما را به گونه قبیله‌ها و ملت‌ها قرار دادیم تا از هم متمایز باشید، همانا نزدیکترین شما به خداوند، پرهیزگارترین شما است.

2 - Harff

3 - Nation Building

کشورهای قوی در این خصوص از انسجام سیاسی - اجتماعی قابل توجهی برخوردارند و از فرایند ملت سازی با موفقیت عبور کرده‌اند، اما کشورهای ضعیف به آن دسته از کشورهایی اطلاق می‌شود که با ضعف یا ناکامی در فرایند ملت سازی مواجه بوده و هویت‌های رقیب و بعضاً ناهم‌ساز را در درون خود گرد آورده‌اند (اداره کل بررسی‌های امنیتی، 1380: 17).

با توجه به رویکرد نرم‌افزاری به امنیت عمومی که بر انسجام و یکپارچگی اجتماعی و کیفیت فرایند ملت سازی تأکید دارد، می‌توان گفت که جوامع ضعیف و اجتماعات پاره پاره که در آنها میزان انسجام گروه‌های اجتماعی از جمله گروه‌های قومی، ناچیز بوده و احتمال واگرایی و مرکز‌گریزی گروه‌های فروملی<sup>1</sup> زیاد است، قومیت در ارزیابی امنیت عمومی، متغیری مهم محسوب می‌شود.

از زمانی که دولت ملی در ایران معاصر شکل گرفت، حکومت مرکزی همواره به نوعی با نیروهای واگرایانه که به شکل اساسی منشاء قومی و ایلی داشته‌اند، مواجه بوده است. اما در طول سه دههٔ اخیر، شورش‌ها و جنبش‌های قومی که در داخل و اطراف مرزهای سیاسی کشور اتفاق افتاده است، بیش از هر زمان دیگر امنیت داخلی و ملی و تمامیت ارضی کشور را تهدید کرده است.

بر همین اساس در این مطالعه سعی شده است با انجام فراتحلیل بر مطالعات پیشین در حوزهٔ قومیت‌ها، ضمن شناسایی مهم‌ترین عوامل به وجود آورندهٔ واگرایی و همچنین هم‌گرایی ملی در بین اقلیت‌های قومی، راهکارهایی به منظور تقویت انسجام ملی در بین این گروه‌ها ارائه شود.

### چارچوب نظری تحقیق

**امنیت عمومی:** به روشنی نمی‌توان تعریفی شفاف از امنیت عمومی در آثار و منابع علمی مربوط یافت. اما بدون شک این نوع از امنیت، یکی از مهم‌ترین ارکان امنیت

1 - Sub National Groups



داخلی است. امنیت عمومی در برگرفته امنیت تمامی افراد و انسان‌هایی است که در یک کشور و در یک مرز جغرافیایی خاص زندگی می‌کنند و دارای بخش‌ها و زیربخش‌های گوناگونی است. البته در بسیاری از موارد، متفکران و اندیشمندان در بحث از امنیت عمومی، آن را با امنیت داخلی یکسان فرض کرده و بیشتر سعی در توصیف مصادیق آن می‌کنند و جالب آنکه در این مرحله از تعریف نیز گاهی معنای امنیت عمومی بر بُعد داخلی امنیت ملی حمل می‌شود و آن هم قرابت خاصی با امنیت اجتماعی می‌یابد (کلهر، 1388: 74).

امنیت عمومی از بارزترین وجوه بالندگی یک اجتماع و بستر ساز رشد، توسعه و ثبات جامعه است. استقرار امنیت عمومی در یک جامعه نیازمند ساختاری است که در آن حداقل عناصری چون عدالت، تأمین و رفاه اجتماعی، اشتغال، آزادی و حاکمیت مردم و مشارکت کامل آنها، توزیع دانایی و اطلاعات در جامعه، فقدان اختلال اجتماعی، استفاده از نیروی فرهیختگان و دانایان، سازگاری اجتماعی و ... وجود داشته باشد (نونژاد، 1377: 75). امنیت عمومی، فراگیرترین سطح از امنیت داخلی است و بسیاری از ارکان و عناصر امنیت داخلی را در برمی‌گیرد که تحقق آن در گرو تلاش جمعی نهادها، سازمان‌ها و جمعیت‌های مختلف و همگن مردم است.

**قومیت:** کوپر و کوپر<sup>1</sup> (1999: 260) قومیت را بنیادی‌ترین مقوله سازمان‌دهی اجتماعی دانسته‌اند که بر نوعی عضویت و تعلق استوار است که بر مبنای احساس برخورداری از ریشه‌های تاریخی، فرهنگ، مذهب و زبان مشترک بنا شده است. بارگس<sup>2</sup> (1989: 54) عنوان می‌کند که قومیت یا گروه قومی، جمعی است در درون جامعه بزرگ‌تر که دارای تبار مشترک واقعی یا خیالی، خاطراتی از گذشته مشترک و دارای تأکیدهای فرهنگی بر یک یا چند عنصر نمادی (مثل زبان و مذهب) است که بر اساس آنها هویت گروه تعریف می‌شود.

1 - Kupper and Kupper

2 - Burgess

به نظر بورگاتا<sup>1</sup> (1992)، برخلاف اختلاف نظرهایی که بین اندیشمندان بر سر تعریف مفهومی قومیت وجود دارد، آنان راجع به ویژگی‌ها و شاخص‌های نشان دهنده قومیت به شرح زیر اتفاق نظر دارند:

برخورداری اعضای گروه از ریشه جغرافیایی، زبان، مذهب، آداب و رسوم، موسیقی و الگوهای سکونت مشترک، برخورداری از ملاحظات سیاسی مشابه به ویژه در رابطه با سرزمین و نهادهای سیاسی و برخورداری از نوعی احساس تمایز و متفاوت بودن از دیگران.

گروه‌های قومی به داشتن ریشه‌های مشترک تمایل داشته و از جهان‌بینی سیاسی انسجام‌بخش بهره می‌برند، به نظر هیلاند<sup>2</sup> (1993: 17-20) مشخصه‌های گروه قومی عبارت‌اند از:

1- تصور داشتن ریشه و تاریخ مشترک؛

2- ادعای داشتن سرنوشت معین و متمایز از دیگران؛

3- دارا بودن ابعادی از فردیت فرهنگی جمعی؛

4- احساس همبستگی جمعی منحصر به فرد.

با توجه به تعاریف فوق می‌توان گفت که قومیت، احساس و ادراک مشترک در بین اعضای یک گروه قومی است که به برخورداری از ریشه‌های تاریخی و جغرافیایی واحد، زبان، مذهب، آداب و رسوم و خاطرات مشترک اعتقاد دارند و به دلیل همین پیشینه و ویژگی‌ها، خود را متمایز از دیگران دانسته و آرمان زیست در سرزمین معین را در سر می‌پروراند (اداره کل بررسی‌های امنیتی، 1380: 16).

**انسجام ملی:** انسجام ملی عبارت است از؛ «احساس تعلق خاطر مشترک و احساس تعهد مشترک افراد به اجتماع و آن «مای» بزرگی که به افراد هویت جمعی می‌دهد و ناظر بر انسجام درونی یک جامعه است.» (غریباق زندی، 1382: 171). انسجام ملی یکی از مهم‌ترین لوازم تداوم حیات دولت‌های کنونی است، تصور دولتی که در آن همبستگی ملی برقرار نباشد، تقریباً امکان‌پذیر نیست. ایجاد انسجام ملی از چنان اهمیتی برخوردار

1 - Borgatta

2 - Hylland



است که دولت‌ها برای نیل به آن، تمامی تدابیر و روش‌ها را به کار می‌گیرند و گاهی به اعمال خشونت نیز متوسل می‌شوند. ایجاد انسجام ملی در کشورهایی که دارای تنوع قومی هستند، اهمیتی مضاعف دارد. چنانچه پیدا است، تنوع قومی، ناظر بر وضعیتی است که گروه‌های قومی مختلف با هویت خاص خود که ریشه در تجربیات، منافع، خودآگاهی‌ها و تبار مشترک‌شان دارد، در درون یک اجتماع بزرگ‌تر قرار گیرند. بر این مبنا، تنوع قومی به مثابه اجتماعی مرکب از اقوام مختلف با هویت‌های مختلف است (صالحی امیری، 1385: 39).

**الگوهای ایجاد همبستگی ملی:** دو الگوی کلان «هماندسازی» و «هم‌گرایی» برای ایجاد وحدت و همبستگی ملی که در جوامع مختلف مورد استفاده قرار گرفته است، اساس این تحقیق را شکل داده‌اند، در ادامه به شرح مختصری از این دو الگو پرداخته شده است.

**هماندسازی:** بر این اساس برای تحکیم همبستگی ملی، ویژگی‌ها، عادات و رسوم فرهنگی گروه‌های اقلیت در فرهنگ حاکم اکثریت حل می‌شود. در جوامعی که این الگو اجرا شود، خطوط تمایز فرهنگی و اجتماعی تقلیل می‌یابند و اعضای جامعه یکسان می‌شوند. در سیاست‌های هماندساز، دولت برای استحالۀ ارزش‌ها و تمایزهای هویتی گروه‌های قومی مختلف در جریان اصلی ارزش‌ها و خصوصیات که در انحصار یک گروه قومی است، تلاش می‌کند. در این الگو اقلیت‌های قومی در برابر مشابه‌سازی و ادغام در جریان اصلی فرهنگ، از خود مقاومت نشان می‌دهند، به همین دلیل جامعه همواره دستخوش ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی است (ابوطالبی، 1378: 186).

**هم‌گرایی:** در این الگو، حکومت موظف به رعایت حقوق همه اقلیت‌های قومی و حفظ و پرورش ممیزه‌های هویتی آنها به صورت مسالمت‌آمیز است و در محدوده ترتیبات حقوقی و نهادی که حقوق اقلیت و اکثریت را تضمین می‌کند (نظیر زبان، سنت‌ها و مناسک) قرار می‌گیرد و باید از تحمیل قوانین و مقررات مغایر با علایق فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی گروه‌های اقلیت، اجتناب کند (صالحی امیری، 1385: 69-59). در این چارچوب معمولاً تعامل بین گروه‌ها صورت می‌گیرد، بنابراین

هم‌زیستی مبتنی بر صیانت و حفظ حقوق اقلیت و نه استحاله فرهنگی در فرهنگ اکثریت است (ابوطالبی، 1387: 186).

وجه تمایز این دو الگو در موضوع حل و فصل درازمدت و صلح‌آمیز اختلافات و مدارا با تنوعات فرهنگی است. الگوی همانندسازی، وحدت ملی را در کوتاه مدت حفظ می‌کند، اما در بلندمدت باعث تشدید منازعات، تضعیف همبستگی و زمینه‌سازی برای تجزیه ملی می‌شود، اما الگوی هم‌گرایی، همبستگی ملی را در بلند مدت تحکیم می‌بخشد.

### قومیت در ایران

ایران سرزمینی است که از روزگاران نخست، تعامل، رفاقت و وحدت در عین کثرت در آن نهادینه شده است. در جامعه چند قومی ایران، شناسایی خرده فرهنگ‌های مختلف، ضروری است و بایستی الگوی ویژه‌ای متناسب با وضعیت جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، سیاسی و... آن ارائه شود (احمدی‌پور و همکاران، 1389: 44). قرار گرفتن ایران در گذرگاه مهاجرت‌های تاریخی، بافت جمعیتی آن را با تنوع قومی مواجه کرده است که به تناسب پیشینه تاریخی، تحولات سیاسی و اجتماعی، در گستره سرزمینی آن توزیع و مستقر شده‌اند. مهاجرت‌های تاریخی بین سه قاره آفریقا، اروپا و آسیا به سکونت اقوام گوناگون و درهم آمیختگی نژادی و پیدایش اقوام مختلف در ایران انجامیده است.

اکثریت ملت ایران، فارس‌ها هستند که بیش از 73 درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و عمدتاً در بخش مرکزی مستقراند. در این قسمت تجانس نسبی بین ویژگی‌های انسانی منطقه و ویژگی‌های طبیعی آن وجود دارد، به طوری که با وجود خرده فرهنگ‌های محلی در این بخش، ساکنان آن همگی از نظر دین (مسلمان)، مذهب (شیعه) و زبان (پارسی) دارای اشتراک هستند، ترکیب و انطباق این لایه‌های چندگانه و اساسی در بخش مرکزی، جملگی موجب تراکم و یکدستی مردم ساکن در این ناحیه شده است (حافظنیا، 1381: 149).

علاوه بر این گروه اکثریت، پنج قومیت عمده در درون این واحد ملی وجود دارد که تأثیری شگرف بر تحولات این سرزمین داشته‌اند، در ادامه به شرح مختصری در خصوص این پنج قومیت پرداخته شده است.



**آذری‌ها:** بزرگ‌ترین گروه اقلیت قومی در ایران، بعد از فارس‌ها هستند که در شمال غربی ایران و در استان‌های آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل، زنجان و قزوین استقرار دارند. همچنین این قومیت به صورت ادغام شده در استان‌های تهران، قم و اراک نیز جمعیت زیادی را در برمی‌گیرند. آذری‌ها در متغیرهای لهجه و احساس قومیت با اکثریت ملت ایران تفاوت دارند، اما در متغیر دین و مذهب و نیز تکلم به زبان رسمی کشور با اکثریت ملت مشترک‌اند، منطقه آذری‌نشین ایران، با آذری‌های قفقاز در سه متغیر زبان، مذهب و قومیت همسان هستند، زیرا قبل از معاهدات گلستان و ترکمن‌چای، آنها به صورت یکپارچه، بخشی از ایران تاریخی و باستانی بودند، نکته اینجا است که هرچند آذری‌های ساکن ایران کنونی وجوه مشترک بیشتری با آذری‌های قفقاز و ساکن در آن سوی مرزها دارند، اما گرایش شدیدی به ملت ایران نشان می‌دهند و خود را جزو جدایی‌ناپذیر آن می‌دانند (مطلبی، 1387: 19).

**قوم کرد:** کردها یکی از اقوام بزرگ و در عین حال با سابقه تاریخی طولانی در کشور ایران می‌باشند، آنها در غرب کشور و در استان‌های کردستان، کرمانشاه، ایلام و جنوب آذربایجان غربی مستقر هستند. این ناحیه بخشی از منطقه بزرگ کردنشین، مشتمل بر نواحی شمالی عراق، جنوب شرقی ترکیه و شمال شرقی سوریه است. از حیث مذهبی، کردها به دو گروه سنی شافعی و شیعه تقسیم می‌شوند، اغلب کردهای کردستان اهل سنت و شافعی مذهب هستند، کردهای منطقه کرمانشاه و ایلام عمدتاً شیعه‌اند و در کنار آنها، مسلک‌های دیگری همچون اهل حق و علی‌اللهی نیز وجود دارد (حافظ‌نیا، 1381: 164).

در مجموع اگرچه کردها در ریشه‌های نژادی، زبانی، تاریخی و برخی خصلت‌های فرهنگی با ساکنان بخش مرکزی دارای نقاط مشترک هستند، اما از جهات مذهبی - قومی و زبان محاوره با بخش مرکزی ایران تفاوت دارند و در مقابل با نواحی کردنشین خارج مرزها همگونی دارند. در مجموع، فضای جغرافیای کردنشین در غرب آسیا که بین قلمروهای فرهنگی آذری و ترک در شمال، عرب در جنوب و فارس در شرق قرار گرفته‌اند، به گونه‌ای است که کردها را از هر سه قلمرو پیرامونی متمایز کرده است و میان آنها و همسایگان‌شان روابط چندان حسنه‌ای برقرار نیست، ولی در مقایسه با دو قلمروی فرهنگی ترک و عرب، به دلیل دارا بودن برخی مشترکات زبانی، تاریخی، نژادی



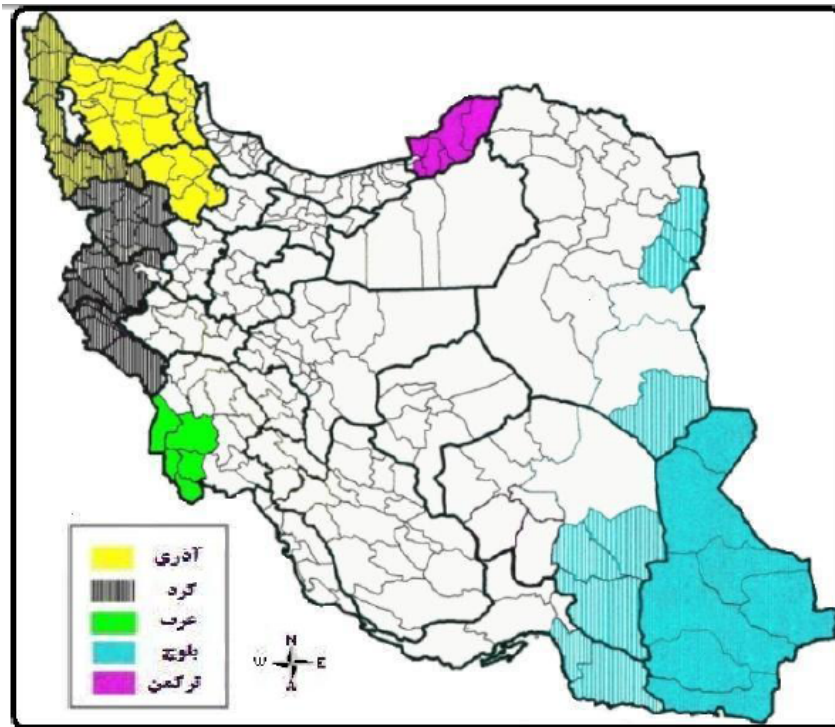
و فرهنگی با کردها، ایرانیان احساس همبستگی، تجانس و همدلی بیشتری نسبت به آنان دارند (حافظ نیا، 1381: 164-165).

**قوم عرب:** عرب‌های ایران در بخش مرکزی و جنوب غربی استان خوزستان استقرار دارند، اغلب عرب‌های ایران شیعه مذهب هستند و قلمروی سکونت آنها تا مناطق جنوبی عراق گسترده شده است، این تجانس مذهبی منطقه عرب نشین ایران و دنبالهٔ برون مرزی آن، نوعی گرایش رفتاری در مردم این منطقه نسبت به بخش مرکزی ایران را به وجود آورده است (حافظ نیا، 1381: 170). وقوع انقلاب اسلامی و فضای انقلابی موجب طرح گرایش‌های ناسیونالیسم عربی و به وجود آمدن نیروی مرکز گریز در این منطقه شده بود، اما در مقابل، وقوع جنگ تحمیلی و مشارکت تمامی آحاد مردم ایران برای دفاع از این مناطق، باعث به وجود آمدن نیروی مرکزگرای شدیدی در داخل این منطقه شد.

**قوم بلوچ:** بلوچ‌ها عمدتاً در استان سیستان و بلوچستان ساکن بوده و اکثریت این قوم سنی مذهب هستند. بلوچ‌های ایران و پاکستان در سه متغیر مذهب، زبان و قومیت با یکدیگر تجانس دارند، ترکیب این سه متغیر همسو بر هم‌گرایی دو بخش بلوچ نشین پاکستان و ایران تأثیر گذاشته و آرمان سیاسی بلوچستان بزرگ را در قالب تلاش برخی نخبگان بلوچ برای کسب هویت مستقل سیاسی «بلوچستان آزاد» پدید آورده است (حافظ نیا، 1381: 176). انزوای جغرافیایی در کنار سایر عوامل متمایز کننده، موجب شده است که بلوچ‌ها خود را کمتر در سرنوشت ملی شریک می‌دانند و برخلاف دیگر اقوام ایرانی، در تحولات بزرگ درون جامعه ایران نقش قابل توجهی به عهده نمی‌گیرند (کریمی پور، 1371: 93).

**ترکمن‌ها:** ترکمن‌های ایران در بخش شمالی استان گلستان و ناحیه کوچکی از شمال غربی خراسان شمالی استقرار دارند. قوم کم جمعیت ترکمن که در حال حاضر در ایران، ترکمنستان و افغانستان پراکنده‌اند، گویا ابتدا از منطقهٔ سیردریا در آسیای مرکزی برخاسته و به سوی جنوب نقل مکان کرده‌اند و سپس در قلمرو کنونی مستقر شده‌اند. این قوم در زمینهٔ زبان، مذهب و قومیت از بخش مرکزی ایران متمایزند و در مقابل با کشور ترکمنستان در این سه ویژگی، اشتراک و تجانس دارند (حافظ نیا، 1381: 177).

به منظور دستیابی به دیدی کلی و همه‌جانبه از توزیع جغرافیایی اقوام مختلف در ایران، در شکل شماره یک، وضعیت پراکندگی اقوام اصلی ایرانی در محدوده سرزمینی آن، نشان داده شده است.



شکل 1: الگوی ساختار قومی در ایران (حافظ نیا، 1381: 158)

### روش‌شناسی تحقیق

روش اجرای این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و به منظور گردآوری اطلاعات برای دستیابی به نتایج تحقیق از تکنیک فراتحلیل از طریق مطالعه و فیش‌برداری از کتب، مقالات، پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های نگارش یافته در موضوعات مرتبط، استفاده شده است.

### یافته‌های تحقیق

عوامل مؤثر بر واگرایی گروه‌های قومی در ایران: همان‌طور که در مطالب پیشین گفته شد، ایران از جمله کشورهای چند قومیتی است که به همین دلیل با چالش‌های

امنیتی فراوانی مواجه است، با توجه به این که هدف اصلی این تحقیق شناخت ویژگی‌های الگوی مناسب به منظور افزایش همگرایی در بین اقوام ایرانی است، در ابتدا لازم است مهم‌ترین دلایل واگرایی در بین گروه‌های قومی در ایران مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان پس از شناخت این عوامل، پیشنهاد‌های مناسب برای رفع یا تعدیل آنها را ارائه کرد.

**الف) موقعیت جغرافیایی اقوام ایران:** عامل بسیار مهمی که باید بر دیگر زمینه‌های مساعد تهدیدهای قومی در ایران افزوده شود، موقعیت جغرافیایی، نوع پراکنش و نحوه آرایش اقوام در قلمرو ارضی و جغرافیایی کشور است که این امر، معادله امنیت ملی ایران را پیچیده و حساس کرده است. اقوام مختلف و اقلیت‌های مذهبی در حساس‌ترین حوزه‌های راهبردی کشور و جداره‌های مرزی اسکان یافته‌اند که عقبه آنها در ورای مرزها و بیرون از حوزه نفوذ و اثرگذاری حاکمیت ملی قرار دارد، از طرفی بیشتر اقوام ساکن ایران از خصیصه هم‌جواری با قوم مشترک در آن سوی مرز نیز برخوردار هستند، ویژگی‌های ذکر شده در ابعاد زیر موجب تهدید می‌شوند:

الف) حکومت جمهوری اسلامی ایران را به صورت بالقوه با پدیده جنبش استقلال طلبانه‌ای که خواستار الحاق به نیمه جدا شده و خارج از مرزهای کشور است، مواجه خواهد کرد؛

ب) به لحاظ ارتباط و پیوند حوزه‌ها به خارج از مرزها، هرگونه چالش و بحران بیرونی نیز به سادگی به داخل مرزها سرایت می‌کند؛

ج) امکان نظارت حاکمیت ملی بر حوزه‌های قومی به شدت کاهش می‌یابد (اسلامی، 1385: 11؛ احمدی‌پور و همکاران، 1389: 57).

در این بین باید به دنباله جغرافیایی اقوام حاشیه‌ای کشور در آن سوی مرزها که در نتیجه ایجاد مرزهای تحمیلی توسط دولت‌های روس و انگلیس در دوره قاجار ایجاد شد، اشاره کرد. این امر سبب شده است تا هر نوع بحران در مناطق حاشیه‌ای کشور با واکنش دولت‌های همسایه که این اقوام در آنها اکثریت را دارند با بزرگ‌نمایی و تبلیغات منفی مواجه شود، نمونه آن را در بحران خشک شدن دریاچه ارومیه و تبلیغات منفی که شبکه‌های تلویزیونی جمهوری آذربایجان در دامن زدن به این بحران انجام دادند،



می‌توان مشاهده کرد، در این زمینه مطالعات و تحقیقات اسلامی (1385)، افضل‌ی و ضرغامی (1388) و حافظ نیا (1381) نیز بر نقش این عامل در واگرایی اشاره کرده‌اند.

**ب) تحولات منطقه‌ای:** تحولات منطقه‌ای به ویژه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال کشورهای ترکمنستان و آذربایجان، اقوام ترکمن و ترک را در آن سوی مرز به قوم غالب مبدل ساخته و آن‌ها را در موضع فرادستی و حاکمیت قرار داده است. وضعیت به نسبت مشابه در کردستان عراق که با حمایت نیروهای خارجی، کردهای عراق را به منزلت خودگردانی رسانده است، از دیگر مثال‌های این موضوع است که این عامل برای امنیت ملی ایران، بالقوه تهدیدزا محسوب می‌شود. نقش تحولات منطقه‌ای در واگرایی گروه‌های قومی در مطالعات و تحقیقات حاجیانی (1381)، نساج (1387) و رمضان زاده و قاجار (1387) نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

**ج) سیاسی کردن هرگونه مطالبات قومی:** بیشتر مطالبات قومی از جمله استفاده نمایشی از شناسه‌های قومی به مثابه ویژگی‌های هویت قومی، جنبه فرهنگی دارند تا سیاسی و حاکمیت نباید به این فعالیت‌ها برچسب سیاسی یا جدایی طلبانه بزند. اعضای گروه قومی می‌خواهند به دلخواه خود برخی ویژگی‌های فرهنگی خویش را حفظ کنند و در این راه اگر احساس تهدید کنند، معمولاً بیشتر بر حفظ آن ویژگی‌ها اصرار خواهند ورزید. اتهام جدایی طلبی قومی اتهامی بسیار سنگین است که نباید در واکنش به هر خواسته‌ای بیان شود یا مبنای برخی سیاست‌گذاری‌های شتاب زده قرار گیرد (سید امامی، 1385: 162). به طور مشابه در تحقیقات رشیدی (1387) و قاسمی (1381) نیز بر نقش این عامل در واگرایی گروه‌های قومی تأکید شده است.

**د) شبکه ارتباطاتی و اطلاعاتی بین مرکز و مناطق قومی:** ارتباطات به عنوان یک عامل مهم و تعیین کننده، نواحی مختلف کشور را به یکدیگر پیوند داده و بین نواحی مختلف، گُش متقابل ایجاد می‌کند، در کشوری مثل ایران که جغرافیای طبیعی و انسانی خاصی دارد، ارتباطات از جایگاه مهم و ارزشمندی برخوردار است (کفاش، 1382: 211). با توجه به اینکه الگوی شبکه ارتباطاتی کشور به صورت ستاره‌ای است و مناطق حاشیه‌ای دور دست به مرکز متصل می‌شوند، این الگو ظرفیت کافی برای

برقراری ارتباط میان این مناطق با تهران را نداشته، به همین دلیل حضور فعال مردم جوامع دور دست نظیر بلوچستان، هرمزگان و ایلام در تهران اندک است.

**و) فقدان توازن توسعه ملی:** توسعه ملی، فرایند توسعه همه جانبه‌ای است که تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اکولوژیکی و ارتباطات متقابل آنها را در برمی‌گیرد، به صورتی که هر کدام از ابعاد این فرایند در ارتباط مستمر و دائمی با ابعاد دیگر قرار دارند و کنش و واکنش و اثرات تقابلی یکدیگر را کامل و یک پیکره واحد به نام توسعه ملی را پدید می‌آورند. توسعه ملی باید بتواند کیفیت زندگی را به نسبت هماهنگ و موزون در مناطق مختلف، بهبود بخشیده و از تمام ظرفیت‌های منطقه‌ای و محلی، اعم از امکانات طبیعی و نیروی فکری و انسانی استفاده کند (نظرپور، 1378: 50). همچنین توسعه ملی و امنیت عمومی دارای ارتباطات دو سویه و متقابل هستند، از یک جهت توسعه و حرکت به سوی آن به تقویت مبانی قدرت ملی و در نتیجه امنیت ملی در کشور می‌انجامد و از جهت دیگر، فراهم آمدن امنیت عمومی یکی از بسترهای مناسب جهت توسعه ملی را فراهم می‌آورد. در همین راستا توسعه نامتوازن فضاهای جغرافیایی کشور به ویژه در مناطق مرزی جنوب شرق کشور موجب گسست وحدت و همبستگی ملی شده و منجر به واکنش تحرکات واگرایانه در این مناطق می‌شود. این مسئله در صورت نبود توجه جدی، در بلند مدت تأثیر مخربی بر قدرت ملی ایران بر جای خواهد گذاشت و سال‌ها زمان خواهد برد تا آثار مخرب مادی و معنوی آن از کشور زوده شود. بنابراین توسعه یافتگی کشور به ویژه در مناطق مرزی، سبب می‌شود که قدرت ملی افزایش یابد و افزایش قدرت ملی نیز منجر به افزایش وزن ژئوپلیتیکی شده و بهبود موقعیت کشور در سیستم (نظام) ژئوپلیتیکی را به دنبال دارد (احمدی پور و همکاران، 1386: 110). این عامل یعنی فقدان توازن در توسعه ملی در تحقیقات نساج (1387)، قرخلو (1382)، ابوطالبی (1387) و نظرپور (1378) نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

**ه) شبکه‌های رادیکال قومی - مذهبی:** در یک تقسیم‌بندی کلی، این شبکه‌ها

را در ایران به چهار دسته زیر تقسیم‌بندی می‌کنند:

- 1- شبکه‌های قوم‌گرای کردی؛
- 2- شبکه‌های قوم‌گرای ترکی؛



3- شبکه‌های قوم‌گرای عربی؛

4- شبکه‌های رادیکال سلفی.

عناصر و گروه‌های قوم‌گرا در گذشته نیز از رسانه‌های مکتوب و رادیویی مخصوص به خود یا رسانه‌های متعلق به سایر کشورها در جهت معرفی و تبلیغ دیدگاه‌ها و اهداف و عملکردشان بهره می‌بردند. برای مثال، قدمت فعالیت رسانه‌ای قوم‌گرایان کرد به سی سال قبل و سال‌های آغازین چالش آنها با دولت مرکزی برمی‌گردد (گلشن پژوه، 1389: 24)، اما از اواخر دهه 1370 و اوایل دهه 1380؛ رویکرد جریان‌ها و گروه‌های قوم‌گرا در تقابل با نظام، به تدریج وجه نرم‌افزارانه بیشتری یافت. دلایل و عوامل این روند و پیامدهای آن، یعنی تشدید جنگ نرم رسانه‌ای تجزیه طلبان در مناطق حاشیه‌ای کشورمان را می‌توان چنین برشمرد:

الف) تحولات منطقه‌ای و به طور مشخص حضور سلطه جویانه آمریکا در نواحی پیرامون ایران و افزایش چالش جمهوری اسلامی با آمریکا و متحدان منطقه‌ای این کشور که به نوعی حامی و پشتیبان جریان سیاسی قومی و مذهبی مخالف کشورمان هستند.

ب) پویای جهان‌های جهانی ناشی از پدیده جهانی شدن، مانند پیدایش و گسترش وسایل ارتباط جمعی و افزایش تاثیر و سهولت بهره‌گیری از آن نیز عامل مهمی در سوق دادن این طیف به استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای بوده است.

ج) تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی داخل جامعه و توسعه رو به رشد نواحی حاشیه‌ای کشور، مانند افزایش میزان با سوادان، رشد مطبوعات و نهادهای مدنی و ...

د) پراکندگی و تنوع گرایش‌های فکری سیاسی میان جریان‌های رادیکال قومی و مذهبی و رقابت داخلی میان عناصر این گروه‌ها نیز بر افزایش کمی و کیفی رسانه‌های ماهواره‌ای و فعال در این عرصه تاثیر داشته است.

نتیجه و پیامد این روندها، فعالیت در حال گسترش شبکه‌های تلویزیونی دارای گرایش‌های رادیکال قومی و مذهبی ضد نظام، از نیمه دهه 1380 بوده است؛ به گونه‌ای که شمار این گونه شبکه‌ها از دو شبکه ماهواره‌ای متعلق به اپوزیسیون کرد، به بیش از چهل شبکه افزایش یافته است (گلشن پژوه، 1389: 35). بررسی عملکرد شبکه‌های

ماهواره‌های قومی، در جریان بحران‌های مناطق حاشیه‌ای کشور، حکایت از افزایش تدریجی توان آنها در بسیج توده‌های دارد. در حالی که در دهه 1370 استفاده از ماهواره‌ها محدود به طبقات متوسط و اقشار محدود در مراکز استان‌ها و شهرهای بزرگ بود، در دهه 1380 این ابزار ارتباطی به خانه‌های گروه‌های وسیع‌تری از مردم، حتی روستاهای مرزی راه یافت و امکان تعامل گسترده‌تری برقرار شد. تجزیه و تحلیل نقش این شبکه‌ها در دامن زدن و گسترش بحران در نواحی قوم‌نشین و حاشیه کشور، قابل توجه است. برای نمونه می‌توان به نقش مؤثر شبکه (الاهواز) متعلق به قوم گرایان عرب خوزستان در تشدید تنش‌های قومی در این استان اشاره کرد که طی سال‌های 1384-1386 بالا گرفته بود، همین نکته در مورد شبکه قوم‌گرای آذری زبان (گوناز تی وی) در ماجرای بحران کاریکاتور در سال 1385 که اکثر شهرهای استان‌های آذری نشین کشورمان را در بر گرفت صدق می‌کند. همچنین می‌توان به نقش شبکه‌های کرد زبان، در نافرمانی مدنی، مقاومت عمومی و اعتصاب اردیبهشت 1389 (به مناسبت اعدام فرزاد کمانگر، معلم کُرد) اشاره کرد که منجر به اعتصاب سراسری در شهرهای کردنشین از جنوب آذربایجان غربی تا کرمانشاه شد.

تلاش فرهنگی نیز یکی از راهبردهای مهم قوم‌گراها است، به نحوی که از هر امکانی در جهت اهداف خویش بهره می‌گیرند. در دوازده سال گذشته شمار نشریات محلی که اغلب به زبان‌ها و گویش‌های محلی منتشر می‌شوند و شمار قابل توجهی از آنها به گرایش‌های قومی دامن می‌زنند، به 500 نشریه رسیده است. این دسته از جراید با ترسیم تاریخ و فرهنگ خیالی، مردم استان خود را قوم یا ملت معرفی و گویش آن‌ها را زبانی مستقل از فارسی قلمداد می‌کنند و با القای احساس محرومیت و معرفی نظام به عنوان عامل تبعیض و بی‌عدالتی، به تحریک مردم می‌پردازند. ده‌ها نشریه در گیلان، تبریز، ارومیه، زنجان، سنندج، کرمانشاه، اهواز، زاهدان و... مصداق روشن این مدعا است (اداره کل بررسی‌های امنیتی، 1380: 36).

### عوامل انسجام ملی گروه‌های قومی در ایران

**الف) بنیادهای فرهنگی:** رابطه متقابل محیط با فرهنگ گروه‌های انسانی و تمامی مظاهر و پیامدهای گوناگون مادی و مکانی و فضای ناشی از این مناسبات، موضوع



جغرافیای فرهنگی است. تشابه در زبان، جهان‌بینی، معیشت و... انسان‌ها را در قالب یک فرهنگ گردهم می‌آورد (جردن و روانتری، 1380: 10). ادوارد تیلور، فرهنگ را محیط و فضای ذهنی - اجتماعی می‌داند (الطایی، 1378: 56) که مبتنی بر عناصر مادی و روحی است که در طول تاریخ شکل گرفته و دارای قوام و دوام زمانی است. روابط پیچیده میان فرهنگ و محیط طبیعی در فلات ایران زمینه‌ساز در هم تنیدگی فرهنگی اقوام ساکن در محدوده فلات ایران شده است. فرهنگ به مثابه کلیتی در هم تنیده که کاملاً اجزای آن در محدوده جغرافیایی فلات ایران بر یکدیگر تأثیرگذار بوده‌اند، خلق‌کننده چشم‌انداز فرهنگی - تمدنی به نام فرهنگ و تمدن ایران بوده است. اجزا و عناصر این قلمرو فرهنگی عبارت‌اند از:

**1- تقویت زبان فارسی:** توجه به زبان‌های قومی و پذیرش آنها چه در قانون اساسی و چه در عرف، امری قابل اغماض نیست؛ اما در کنار سیاست‌هایی که جهت پاسخگویی به این خواسته تدوین می‌شود، باید توجه داشت که روند توانمندسازی گویش‌های محلی - قومی می‌تواند با افزودن شکاف زبانی، نه‌گوشی، زمینه‌ساز فاصله بیشتر گروه‌های قومی از فرهنگ عمومی کشور شود و نیز ابزارهای ارتباطی - آموزشی دولت نظیر رسانه‌ها را فاقد کارایی لازم در انتقال ارزش‌های فرهنگ عمومی جامعه به اعضای گروه قومی کند و از این طریق در روند جامعه‌پذیری اعضای گروه‌های قومی اختلال به‌وجود آورد و یا حداقل روند انتقال مفاهیم و ارزش‌های فرهنگ عمومی را دچار وقفه سازد (قیصری، 1377: 67).

زبان به عنوان یک خصیصه، هویت‌دهنده گروه انسان‌هایی که بدان تکلم می‌کنند و از طریق آن با یکدیگر تفاهم می‌کنند، است، زبان مشترک در بین این افراد، ادارک متقابل را سبب شده و کمک می‌کند تا به همبستگی و انسجام درونی برسند. این امر به خودی خود، ملتی را تشکیل می‌دهد که به تدریج به خود آگاهی سیاسی رسیده و در قلمرو جغرافیایی خود، دولت تشکیل می‌دهد (حافظ نیا، 1385: 104). در میان اقوام کشورمان، زبان ترکمنی در استان گلستان، زبان عربی در جنوب غربی و زبان آذری در شمال غرب کشورمان با زبان فارسی تفاوت دارند. لازم به ذکر است این اقلیت‌ها نیز در کنار زبان بومی خود از زبان رسمی کشور نیز در زندگی روزمره استفاده می‌کنند.



**2- دین و مذهب:** دین و مذهب به مثابه یکی از ریشه‌های‌ترین عناصر فرهنگی در اکثر جوامع به عنوان یکی از عوامل اساسی تشکیل دولت و ملت مورد توجه بوده است. وجود دین مشترک همواره به عنوان یکی از مبانی شکل‌گیری همبستگی ملی در کل جوامع مطرح بوده و نقش اساسی را در پیدایش وفاق و انسجام اجتماعی ایفا کرده است. مطالعات نشان داده است که انسجام در بین اقوام کشورهای که دارای اشتراکات دینی بیشتری هستند، بیشتر است. در سرشماری سال 1385 کل کشور، 99/43 از جمعیت ایران را پیروان دین اسلام تشکیل می‌دادند (سالنامه مرکز آمار ایران، 1386). در واقع دین اسلام به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل همبستگی بین اقلیت‌های مختلف کشور ایران به شمار می‌رود.

**3- آداب و رسوم، اسطوره‌ها و مفاخر ملی:** وجود آداب و رسوم یا به عبارتی روایت‌های مشترک در بین اقوام یک کشور می‌تواند انسجام ملی را افزایش دهد، برای مثال از عید نوروز می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین آداب مشترک که در سرتاسر قلمرو باستانی امپراطوری گذشته ایران رواج داشته و در افزایش انسجام ملی ایرانیان نقش اساسی دارد، نام برد، جشن گرفتن این عید، نمادی از تعهد و وفاداری به ایرانی بودن و حاکمیت مرکزی ایران است.

اسطوره‌ها و حماسه‌های ایرانی نیز همچون دیگر عناصر فرهنگ ایرانی در قلمرو فلات ایران و پیرامون آن گسترش یافته است. در تحقیقات فکوهی (1389)، رمضان‌زاده و قاجار (1387)، قرخلو (1382) و افضل‌ی و ضرغامی (1388) نیز بر نقش این عامل در هم‌گرایی گروه‌های قومی تأکید شده است.

**ب) احزاب سیاسی:** از آن‌جایی که یکی از عوامل فقدان همبستگی ملی، کمبود مشارکت سیاسی است، احزاب سیاسی از ابزارهای ایجاد همبستگی ملی و انسجام اجتماعی در جوامع مختلف محسوب می‌شوند، زیرا احزاب در ارتقای مشارکت سیاسی مردم نقش محوری ایفا می‌کنند. شاید به دلیل خلاء نظام حزبی است که مشارکت سیاسی در رژیم‌های سیاسی اقتدارگرا، منفعلانه و تبعی است، اما در نظام‌های سیاسی دموکراتیک به کمک همین احزاب و کار ویژه حزبی است که مشارکت فعالانه، خودجوش و مبتکرانه صورت می‌گیرد (قنبری، 1384: 33). از دیگر کارکردهای مهم



احزاب برای حفظ همبستگی ملی، کارکرد حزب در مورد جذب قومیت‌ها با هدف ملت‌سازی و اتحاد ملی است. مهم‌ترین کارکردهای حزبی برای جذب قومیت‌ها با هدف ملت‌سازی به شرح زیر هستند:

1- خواسته‌های گروه‌های قومی را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی انعکاس می‌دهند؛ 2- احزاب در جامعه‌پذیری سیاسی اقوام نقش مهمی ایفا می‌کنند؛ 3- احزاب سیاسی با مشارکت دادن گروه‌های قومی، زمینه‌های اجتماعی ورود گروه‌های قومی را در جامعه فراهم می‌کنند؛ 4- احزاب سیاسی می‌توانند ثبات بخش و مشروعیت‌زا باشند، زیرا با پذیرش و قبول فعالیت و مشارکت سیاسی گروه‌های فوق در جامعه، این اقوام در بطن جامعه جذب می‌شوند و وابستگی و تابعیت آنها در چارچوب سیاسی افزایش می‌یابد (رشیدی، 1387: 104). در تحقیقات انجام شده توسط رشیدی (1387: 104)، حافظ نیا (1381) و غرایق زندی (1382) نیز نتایج مشابهی در این مورد به دست آمده است.

**ج) سرزمین:** سرزمین، گهوارهٔ زیست و عرصه پیوند دوجانبه انسان و طبیعت است. وابستگی‌های مکانی، زیست محیطی و طبیعی انسان و شکل‌گیری علقه‌های وطنی، خانوادگی و سکونتگاهی انسان در ارتباط با سرزمین معنی پیدا می‌کند (حافظ نیا، 1381: 36). پیدایش، دوام و تداوم افراد یک ملت که تجربه تاریخی مشترک، آمال و آرزوها، احساسات و جهان‌بینی مشترک، شخصیت‌ها و نمادهای مشترک دارند، وابسته به سرزمین است. یافته‌های این تحقیق در این مورد با تحقیقات حافظ نیا (1381)، حاجیانی (1388)، ترابی (1388)، افضلی و ضرغامی (1388) و اسلامی (1385) همخوانی داشته است.

**د) تهدیدهای خارجی:** تهدیدهای خارجی چه در شکل نظامی و امنیتی و چه در شکل فرهنگی، هم‌گرایی تهدید شوندگان را افزایش می‌دهد و آنها را به اتحاد برای دفاع از خود وامی‌دارد. بر همین اساس، هر زمان سرزمین ایران با تهدید و تجاوز نیروهای خارجی روبه‌رو شده، همبستگی ملی تقویت شده و افزایش یافته است. به عنوان نمونه در این خصوص می‌توان به تجاوز نظامی عراق به ایران که باعث افزایش انسجام ملی بین اقوام و گروه‌های مختلف قومی شده است، اشاره کرد.

**و) مهاجر نبودن اقوام ایرانی:** در بررسی‌های انجام شده توسط پژوهشگران غربی، تحقیقات قومی معطوف به مهاجران به یک سرزمین در برابر شهروندان بومی است.

ایتالیایی‌ها، سیاهان، چینی تبارها و عرب‌ها از جمله قومیت‌های مورد پژوهش غربی هستند. مدت اسکان این مهاجران در جامعه جدید از چند سال فراتر نمی‌رود، در حالی که تمامی گروه‌های قومی، مذهبی و زبانی ساکن ایران صدها سال است که مانند دیگر ایرانیان در این سرزمین زیسته‌اند و نه تنها مهاجر تلقی نمی‌شوند، بلکه وارثان تاریخی ایران نیز هستند (هوشمند، 1386: 230).

### نتیجه‌گیری

همبستگی ملی یکی از مهم‌ترین عوامل حیات دولت‌های کنونی است که به واسطه آن هویت هر ملتی تکوین یافته و بقاء و تداوم آن در طول زمان میسر می‌شود. ایران از جمله کشورهایی است که چندین قومیتی بوده و از قومیت‌های مختلف تشکیل شده است، این قومیت‌ها در نواحی پیرامون کشور به صورت موزاییکی و گسسته، در اطراف بخش مرکزی قرار دارند، این گروه‌های قومی، دنباله جغرافیایی به صورت کشور مستقل یا به صورت گروه‌های اقلیت در آن سوی مرزهای سیاسی ایران دارند که با یکدیگر دارای تعاملات مختلف هستند. آنچه ما امروز به عنوان کشور ایران در نقشه جغرافیای سیاسی جهان می‌بینیم، از ترکیب قومیت‌های مختلف تشکیل شده و تنها یک عامل باعث انسجام ملی آن نشده است، بلکه مجموعه‌ای از عوامل در همبستگی آن نقش داشته‌اند که این عوامل عبارت‌اند از: سرزمین، بنیادهای فرهنگی، احزاب سیاسی، تهدیدهای خارجی، شبکه ارتباطی و اطلاعاتی بین مرکز و مناطق قومی.

در بین عوامل واگرایی، می‌توان به موقعیت جغرافیایی اقوام ایران و سیاسی کردن هرگونه مطالبات قومی توسط حکومت و شبکه‌های رادیکال قومی - مذهبی اشاره کرد. در این بین نقش شبکه‌های رادیکال با توجه به پدیده جهانی شدن و گسترش وسایل ارتباطی و ماهواره‌ای بیش از دیگر عوامل به نظر می‌رسد.

### پیشنهادها

افزایش انسجام ملی در بین اقلیت‌های قومی نقش بسیار اساسی در ایجاد امنیت عمومی در کشورهای چند قومیتی مانند ایران دارد، موارد زیر از مهم‌ترین راهبردهای قابل اجرا به منظور افزایش انسجام ملی در بین این گروه‌ها است.



- 1- توسعه نهادهای مدنی به منظور گسترش مشارکت همه جانبه گروه‌های قومی.
- 2- بهره‌گیری از فکر، توانمندی و خلاقیت‌های نخبگان قومی در اداره سرزمین.
- 3- شناساندن و تبیین عوامل پایدار و فراگیری که منافع ملی را تهدید می‌کنند، اعم از تهدیدهای نظامی مرزها، تهدید امنیت عمومی و ...
- 4- شناساندن هویت ملی فراگیر و تبیین عناصر برجسته آن و انجام اقداماتی برای اینکه درک عمومی از این هویت ایجاد شود و همه گروه‌های ملی به سوی آن جذب شوند و حس وابستگی نسبت به آن در همه آحاد ملت پدید آید.
- 5- نفی صلح منفی، عاجز بودن افراد در مقابل یک کانون سیاسی مقتدر و ایجاد صلح مثبت در برقراری نظام عادلانه و کسب رضایت افراد و پرهیز از خشونت.
- 6- تاسیس و گسترش فعالیت تشکلهای و احزاب سیاسی ملی، سازمان‌های اجتماعی و فرهنگی غیر دولتی در سطح ملی و تقویت آنها برای توسعه سیاسی در اقصی نقاط کشور.
- 7- تشویق و ترغیب اقوام به ارتباطات اجتماعی بین خود، به منظور کاهش تصورات قالب، پیش‌داوری و فاصله‌نگری قومی.
- 8- اولویت بخشی به عمران و آبادانی منطقه‌ای، به ویژه در حاشیه‌های مرزی.
- 9- توزیع عادلانه ثروت عمومی و بهره‌مندی برابر همه مناطق از منافع و مواهب کشور.
- 10- استفاده از مدیران شایسته در مسئولیت‌های مختلف و تلاش برای افزایش کارآمدی مدیران.
- 11- آموزش مدیران غیر بومی به ویژه در حوزه‌های فرهنگی اقوام، قبل از معرفی و پذیرش مسئولیت.
- 12- ترویج رویکرد فرصت محور به تنوع قومی در کشور و تأکید بر عدالت در استفاده از منابع و برنامه‌های توسعه.

## منابع

- ابوطالبی، علی (1387). «دیدگاه‌هایی چند درباره یکپارچگی و وحدت ملی». فصلنامه مطالعات ملی، شماره 2 و 3، سال اول، صص 181-198.
- احمدی‌پور، زهرا؛ حیدری موصلو، طهمورث؛ حیدری موصلو، طیبه (1389). «تحلیل قومیت و هویت قومی در ایران؛ جهت امنیت پایدار». فصلنامه انتظام اجتماعی، سال دوم، شماره اول، صص 35-62.
- احمدی‌پور، زهرا؛ مختاری هشی، حسین؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ وزین، نرگس (1386). «بررسی روند شتاب توسعه یافتگی فضاهاى سیاسى-ادارى کشور مطالعه موردی استان ایران در برنامه اول تا سوم توسعه (1368 تا 1383)». فصلنامه ژئوپلتیک، سال سوم، شماره اول، صص 22-49.
- اداره کل بررسی‌های امنیتی (1380). «ناهمگونی قومی و امنیت ملی». تهران: معاونت طرح و بررسی‌های استراتژیک.
- اسلامی، علیرضا (1385). «قومیت و ابعاد آن در ایران». مجله علوم سیاسی، سال نهم، شماره 34، صص 5-28.
- الطایبی، علی (1378). «بحران هویت قومی در ایران». تهران: انتشارات شادگان.
- افضل‌ی، رسول؛ ضرغامی، برزین (1388). «تحلیل بنیادهای پایدار همگرایی و متغیرهای اعتباری تهدید قومی در ایران». فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره 7، سال دوم، صص 77-90.
- ترابی، یوسف (1388). «سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در مدیریت تنوعات قومی». فصلنامه دانش سیاسی، سال پنجم، شماره اول، صص 115-158.
- جردن، توماس و روانتری (1380). «چکیده‌ای از جغرافیای فرهنگی». ترجمه: سیمین تولایی و محمد سلیمانی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- حاجیانی، ابراهیم (1381). «گفتگوی بین فرهنگی و انسجام ملی». فصلنامه مطالعات ملی، شماره 12، سال پنجم، صص 75-89.
- حافظ نیا، محمدرضا (1381). «جغرافیای سیاسی ایران». تهران: انتشارات سمت.
- حافظ نیا، محمدرضا (1385). «اصول و مفاهیم ژئوپلتیک». مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- رشیدی، بهروز (1387). «احزاب سیاسی و همبستگی ملی». مجلس و پژوهش، سال چهاردهم، شماره 57، صص 89-114.
- رضوی، سید ابوالفضل (1387). «ایران و هویت ایرانی». ماهنامه زمانه، سال هفتم، شماره 70.



- رمضان زاده، عبدالله؛ بهمنی قاجار، محمد علی (1387). «هویت ایرانی و چندگانگی قومی». فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، شماره اول، صص 69-96.
- سالنامه مرکز آمار ایران (1386). تهران: انتشارات مرکز آمار ایران.
- سید امامی، کاووس (1385). «قومیت از منظر سیاست‌های هویت». دوفصلنامه دانش سیاسی، شماره سوم، صص 143-165.
- صالحی امیری، رضا (1385). «مدیریت منازعات قومی در ایران». تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- غرایاق زندی، داوود (1382). «احزاب و قوم‌گرایی». فصلنامه راهبرد، شماره 29، سال هشتم، صص 167-182.
- فکوهی، ناصر (1389). اسطوره‌شناسی سیاسی. تهران: انتشارات فردوس.
- قاسمی، علی (1381). «ماهنامه گزیده تحولات جهان». تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر.
- قرخلو، مهدی (1382). «تحکیم همبستگی ملی با تأکید بر عناصر جغرافیای فرهنگی در ایران». فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره 46، سال دوازدهم، صص 75-86.
- قنبری، داریوش (1384). «همبستگی ملی در ایران». تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- قیصری، نورالله (1377). «قومیت عرب و هویت ملی در جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول، سال اول، صص 49-84.
- کریمی‌پور، یدالله (1371). «تحلیل ژئوپلیتیکی نواحی بحران سیستان و بلوچستان». رساله دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- کفاش، جمشید (1382). «زمینه‌های انسجام ملی در آذربایجان». فصلنامه مطالعات ملی، سال چهارم، شماره 2، صص 185-218.
- کلهر، رضا (1388). «درآمدی بر امنیت انتظامی». تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.
- گلشن پژوه، محمودرضا (1389). «جنگ نرم؛ ویژه جنگ رسانه‌ای علیه ایران». تهران: موسسه فرهنگی مطالعاتی ابرار معاصر.
- مطلبی، مسعود (1387). «جغرافیای سیاسی اقوام ایرانی». ماهنامه زمانه، سال هفتم، شماره 79، صص 16-24.

- نساج، حمید (1387). «جهانی شدن و هویت اقوام ایرانی با تأکید بر مولفه‌های زبان و آداب و رسوم». دو فصلنامه تخصصی پژوهش سیاست نظری، شماره پنجم، سال دوم، صص 129-156.
- نظری‌پور، محمدنقی (1378) «ارزش‌ها و توسعه». تهران: انتشارات پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نونژاد، مسعود (1377). «راهی به سوی توسعه پایدار». اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال دوازدهم، شماره 11-12، صص 73-96.
- هوشمند، احسان و کوه شکاف، ناهید (1386). «مدخلی بر بازنمایی مفاهیم قوم و قومیت». فصلنامه سیاست داخلی، شماره سوم، سال اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور، صص 211-243.
- Borgatta, Edgar (1992), encyclopedia of sociology, New York, Macmillan publishing company, vol. 2, pp. 575-583.
- Burgess, Robert G., (1989) ed. Key Variables in Social Investigation. London: Routledge.
- Harff, B. (1998). Gurr Systematic Early Warning of Humanitarian Emergencies. Working paper, Minorities at Risk Project.
- Hylland, Thomas, (1993) ethnicity and nationalism, anthropological perspectives, London, Pluto press pp. 17-20.
- Kupper, Adam and Jessica Kupper (1999), the social science encyclopedia, London, Routledge, 2nd Ed.